

Sociological Explanation of Family Values in the Marginalized Neighborhoods of Tehran (with Emphasis on Gender Attitudes)

Narges Rahmani: Ph.D. student in cultural sociology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. narges.rahmani@srbiau.ac.ir

Taghi Azadarmaki*: Professor, department of sociology, University of Tehran, Iran. azadarmaki@gmail.com

Baqer Saroukhani: Professor, department of sociology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. b.saroukhani@yahoo.com

Abstract

Introduction: In the current Iranian society situation, few people do not believe in changing family values. Social values are the primary core of social action and the foundation of social order. For this reason, the present study seeks to answer this question. What is the direction of change in family values in the Marginalized neighborhoods of Tehran.

Methods: This study was a qualitative approach study, using the grounded theory method with Strauss and Corbin version. The samples were selected according to purposive and theoretical sampling from people aged eighteen years and above in the marginalized neighborhoods. To match and compare with other regions, region nineteen and four were selected. Based on the theoretical saturation criteria, thirty in-depth interviews were conducted. Semi-structured interviews were used to collect data.

Results: According to the grounded theory method, gender attitudes toward women's employment, inequality of job opportunities, gender attitudes toward gender, equality between men and women, and decision-making power in the family categories were constructed.

Conclusions: Based on Ronald Inglehart's theory of value change, the findings showed that the direction of value change of the marginalized neighborhoods, like the neighborhoods located in the context of urban society (non-marginalized), tended towards post-a material gender values. In other words, it can be said that the direction of gender attitudes has moved away from traditional views and is moving towards modernity and postmodernity.

Keywords

Family Values, Material and Post-Material Values, Marginalization, Gender Attitudes

*Corresponding Author
Study Type: Original
Received: 08 Dec 2021
Accepted: 26 Jul 2022

Please cite this article as follows:

Rahmani N, Azadarmaki T, and Saroukhani B. Sociological explanation of family values in the marginalized neighborhoods of Tehran (with emphasis on gender attitudes). *Quarterly Journal of Social Work*. 2023; 11 (4); 14-24

تبیین جامعه‌شناختی ارزش‌های خانوادگی محلات حاشیه‌نشین شهر تهران (با تاکید بر نگرش‌های جنسیتی)

نرگس رحمانی: دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. narges.rahmani@srbiau.ac.ir

تقی آزاد ارمکی*: استاد، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، ایران. azadarmaki@gmail.com

باقر ساروخانی: استاد، گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. b.saroukhani@yahoo.com

واژگان کلیدی

ارزش‌های خانوادگی،
ارزش‌های مادی و
فرامادی، حاشیه‌نشینی،
نگرش‌های جنسیتی

* نویسنده مسوول

نوع مطالعه: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۴

چکیده

مقدمه: در شرایط کنونی جامعه ایرانی، کمتر کسی است که باور به تغییر ارزش‌های خانوادگی نداشته باشد. ارزش‌های اجتماعی هسته اساسی کنش اجتماعی و پایه و اساس نظم اجتماعی در جامعه محسوب می‌شوند. به همین دلیل پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال اساسی است که جهت تغییر و تحولات ارزش‌های خانوادگی در محلات حاشیه‌نشین شهر تهران چگونه است؟

روش: این پژوهش با رویکرد کیفی و با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای و با نسخه اشتراوس و کوربین انجام شده است. نمونه‌ها منطبق بر شرکت‌کننده هدفمند و نظری انتخاب شدند. نمونه‌ها از افراد هجده سال به بالای محلات حاشیه‌نشین و جهت تطبیق و مقایسه با سایر محلات منطقه نوزده و چهار انتخاب شدند. بر اساس معیار اشباع نظری، سی مصاحبه عمیق انجام گرفت. برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد.

نتایج: بر اساس روش نظریه گراند مقوله‌های نگرش جنسیتی به اشتغال زنان، نابرابری فرصت‌های شغلی، نگرش‌های جنسیتی به جنسیت، هم‌سطح بودن زن و مرد، قدرت تصمیم‌گیری در خانواده، بر ساخت شدند.

بحث و نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش با تکیه بر نظریه تغییرات ارزشی رونالد اینگلهارت نشان دادند، جهت تغییرات ارزشی محلات حاشیه‌نشین مورد مطالعه همانند محله‌هایی که در متن جامعه شهری واقع بودند (غیر حاشیه‌نشین) به سمت ارزش‌های جنسیتی فرامادی گرایش داشتند. به عبارتی می‌توان گفت سمت‌وسوی نگرش‌های جنسیتی از نگاه‌های سنتی فاصله گرفته و به سوی مدرن و پست‌مدرن شدن در حرکت است.

نرگس رحمانی، تقی آزاد ارمکی و باقر ساروخانی. تبیین جامعه‌شناختی ارزش‌های خانوادگی محلات حاشیه‌نشین شهر تهران (با تاکید بر نگرش‌های جنسیتی). فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۴۰۱؛ ۱۱ (۴):

نحوه استناد به مقاله:

۱۴-۲۴

مقدمه

تغییرات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و تکنولوژی در چندین دهه اخیر، ارزش‌های جوامع پیشرفته صنعتی را از ابعاد بسیار مهمی دچار تغییر و دگرگونی کرده است، به طوری که نگرش‌های آنان درباره مساله‌های مختلفی از جمله نگرش‌های جنسیتی نیز دگرگون شده است. تا بدان حد که می‌توان اظهار داشت که خواست مردم از زندگی تغییر کرده است. [۱]

جامعه ایرانی نیز همچون سایر جوامع از این تغییر و تحولات عمده مستثنا نبوده و ارزش‌های آن دچار تغییر و دگرگونی شده است. چنانچه اکثر پژوهش‌های که تاکنون انجام شده، نشان از تغییر و تحولات ارزشی در خانواده‌های ایرانی دارد. نتایج یافته‌های [۲ و ۳] نشان می‌دهد، روند قدرت تصمیم‌گیری توسط همه اعضا خانواده، در مورد مساله‌های مهم رو به افزایش است، به طوری که از هجده ممیز نه دهم درصد در سال ۱۳۸۱ به سی و چهار ممیز هشت دهم درصد در سال ۱۳۹۴ رسیده است. همچنین در خصوص نقش اشتغال زنان و تاثیر آن در ساخت قدرت خانواده یافته‌های پژوهشی [۴] نشان می‌دهد، ساخت قدرت در خانواده‌هایی با زنان شاغل به نسبت خانواده‌هایی با زنان خانه‌دار دمکراتیکتر است.

بنابراین همان‌طور که شواهد تجربی نشان دادند، ارزش‌ها در جامعه ایرانی در حال دگرپسندی است. مفهوم ارزش در جامعه‌شناسی، به معنای خوب یا بد، شایسته و مطلوب و ناشایست و نامطلوب نزد یک فرد یا گروه تعریف شده است. [۵]

در حقیقت در هر جامعه‌ای ارزش‌های اجتماعی تعیین می‌کنند چه چیزی مهم و چه چیزی از نظر اخلاقی درست است. [۶]

تغییر و تحولات ارزشی در جامعه ایرانی پیامد فرآیند نوسازی، انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، جنگ هشت ساله و به دنبال آن هشت سال دوران بازسازی و هشت سال دوره باز سیاسی می‌باشد. [۷] این علل و عوامل تغییرات ارزشی؛ منجر به تاثیراتی همچون رشد جمعیت، گسترش شهرنشینی، افزایش مهاجرت به شهرها، رشد و گسترش تکنولوژی، رشد رسانه‌ها، افزایش سطح آموزش زنان، افزایش سطح اشتغال زنان و... شده، که در مجموع در دگرگونی ارزشی جامعه ایرانی نقش بسزایی ایفا نموده‌اند. [۸]

یکی از مساله‌هایی که به دنبال تغییر و تحولات عمده اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و جمعیتی در کلان‌شهرهای ایران از جمله شهر تهران رخ داده، پدیده حاشیه‌نشینی و یا سکونتگاه‌های غیررسمی است، که همچنان تعدادشان رو به افزایش است. به طوری که رشد جمعیتی مناطق حاشیه‌نشین شهر تهران در طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۵۵ بین سه تا هفت درصد [۹] و در سال ۱۳۹۶ این جمعیت به بیست درصد رسیده است. [۱۰]

حاشیه‌نشینی شیوه خاصی از اسکان تلقی می‌شود که دارای ویژگی‌های غیر از روش‌های اسکان غیررسمی و عرفی کشور می‌باشد. [۱۱]

حاشیه‌نشینان در بافت‌هایی ساکن هستند که از نظر ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی، فرهنگی و زیرساخت‌های شهری شدیداً دچار کمبود و نقصان هستند. این سکونتگاه‌ها بدون مجوز رسمی و خارج از برنامه‌ریزی رسمی و قانونی توسعه شهری نظیر طرح‌های جامع و تفصیلی در درون یا خارج از محدوده قانونی شهرها به وجود آمده‌اند. آن چیزی که در خصوص ارزش‌ها مهم است، این است که تغییرات ارزشی با توجه به شرایط اجتماعی هر جامعه‌ای و خرده فرهنگ‌ها و تنوعات قومی و فرهنگی آن جامعه مانند محلات حاشیه‌نشین و محلاتی که در متن جامعه شهری زندگی می‌کنند باهم فرق دارند، چراکه نظام فرهنگی اجتماعی و اقتصادی هر یک از خرده فرهنگ‌ها با یکدیگر متفاوت است. با توجه به ادبیات نظری پژوهش به دو رویکرد در خصوص ارزش‌ها اشاره شده است. اولین رویکرد، به پژوهش‌هایی که بر قطبی شدن ارزش‌ها و یا گرایش بر قطبی شدن ارزش‌ها در جامعه تاکید دارند، اشاره شده است. نتایج یافته‌های پژوهشی با موضوع گونه‌های مختلف ارزش‌های خانوادگی و همبسته‌های اقتصادی-اجتماعی، نشان داد، در بستر گذار نسلی از نسل اول به نسل سوم ارزش‌های سنتی کاهش و ارزش‌های مدرن و پسامدرن در خانواده در برخی موارد افزایش یافته است. [۱۲]

نتایج یافته‌های پژوهش دیگری با موضوع بررسی سنخ‌های ارزشی و تغییرات فرهنگی در خانواده که با تاکید بر نظریه ارزشی رونالد اینگلهارت انجام شده است، نشان داد که اولویت‌های ارزشی خانواده‌های ایرانی بیشتر به سمت ارزش‌های مادی گرایش دارند. [۷]

رویکرد دوم، به آن دسته از پژوهش‌هایی اشاره دارد، که معتقدند ارزش‌ها در جامعه ایرانی التقاطی هستند، یعنی هم شامل ارزش‌های مادی و هم فرامادی است، و ارزش‌ها در ایران حالتی از قطبی شدن ندارند. پژوهشی که با موضوع طبیعت نظام ارزشی جامعه ایران: مادی، فرامادی یا تلفیقی با تکیه بر نظریه دگرگونی ارزشی اینگلهارت انجام گرفت، نشان داد؛ ارزش‌های جامعه ایران تلفیقی است تا مادی و فرامادی صرف و ارزش‌ها حالتی از قطبی شدن ندارند. [۱۳]

نتایج یافته‌های پژوهش‌های خارجی از جمله پژوهشی که توسط فراری با عنوان نسل‌ها و تغییر ارزش در گذر زمان،

انجام شده، نیز نشان داد که ارزش های جوانان به سمت کیفیت زندگی، خود شکوفایی و محیط زیست تغییر یافته است. [۱۴] نتایج پژوهش آستروما با عنوان تغییر ارزش ها در جامعه مصرفی نشان داد که ارزش های فرامادی جایگزین ارزش های مادی می شوند و تغییرات ارزشی و انتخاب ارزش ها در بین جوانان ناشی از جامعه مصرفی می باشد [۱۵]. نتایج پژوهش دیگری [۱۶] نشان داد که جایگزینی ارزش ها بستگی به شرایط دارد به طوری که در دوره های سخت مثل ویروس کرونا، ارزش های حقوق طبیعی، یعنی حق حیات، حق سلامتی، حق آزادی اهمیت بیشتری نسبت به عشق، دوستی و خود شکوفایی پیدا می کند.

نظریه تغییر ارزشی رونالد اینگلهارت، بر اساس دو فرضیه مهم کمیابی و اجتماعی شدن استوار است. فرضیه کمیابی به این معنی که اولویت های افراد بازتاب محیط های اجتماعی و اقتصادی آنان و شخص بیشترین ارزش ها را به چیزهایی می دهد که عرضه آن نسبتا کم است. وی می گوید کشورهای سیاسی که به طور نسبی از نظم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی برخوردارند به تدریج به سمت ارزش های فرامادی مانند آزادی بیان، زیباسازی شهرها و ایجاد جوامع انسانی و عقلانی گرایش می یابند. فرضیه اجتماعی شدن، از نظر وی ارزش های اصلی فرد بخش نسبتا مهم و عمیق دیدگاه وی درباره زندگی است، که در همان سال های اولیه زندگی فرد یعنی قبل از بلوغ شکل می گیرد. اینگلهارت معتقد است این دو فرضیه مکمل

و کامل کننده یکدیگرند. از نگاه وی بین سطح اقتصادی و نفوذ ارزش های فرامادی یک رابطه دوتایی وجود ندارد، زیرا این ارزش ها بازتاب درک ذهنی شخصی از امنیت است، نه خود سطح اقتصادی. بر اساس نظر وی دگرگونی ارزشی بیشتر از طریق جایگزینی جمعیت یک نسل به جای نسل دیگر انجام می گیرد. یعنی زمانی که نسل جوان جایگزین نسل های مستتر می شوند. به عبارتی ارزش های نسل مستتر با کشمکش هایی جای خودشان را به ارزش های نسل جوانتر می دهد. اینگلهارت در کتاب خود، به نام تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، دوازده گزینه ارزشی مادی و فرامادی را بر اساس سلسله مراتب نیازهای مازلو مطرح کرده است. به این گونه که ارضای نیازهای طبیعی به رشد اهمیت خواسته های غیر فیزیولوژیکی یا فرامادی منجر می شود. اینگلهارت افرادی را که نگاه مادی و سنتی به ارزش ها دارند مادیون می نامد و کسانی که تحولات فرهنگی را پذیرا بوده و نگاه مدرنی به مساله ها دارند و حمایت از برابری انسان ها، نیاز به احترام، رضایت ذهنی و زیبایی شناختی و اهمیت به کیفیت زندگی می دهند را فرامادیون می داند و آنانی که هم ویژگی های ارزش های مادی و هم فرامادی را دارند تلفیقیون قرار می دهد. [۱]

تا کنون در ایران کمتر پژوهشی به طور خاص به موضوع پژوهش حاضر پرداخته است. تحقیقات بسیاری در حوزه حاشیه نشینی انجام گرفته، اما اکثر آنان یا به علل و عوامل ایجاد این گونه سکونتگاه ها [۱۷] پرداخته اند و یا به موضوع آسیب های اجتماعی ناشی از حاشیه نشینی پرداخته شده [۱۸] و یا به ناهنجاری های سکوتی، کالبدی و نابسامانی های اقتصادی و اجتماعی آنان پرداخته اند [۱۹] از آن جایی که جامعه برای رسیدن به نظم اجتماعی از ارزش ها سود می برد و دستیابی به ارزش ها موجب فعالیت و شکل گیری ایده آل ها و آرمان ها می گردد، پژوهش حاضر در صدد ادغام این دو حوزه، یعنی مطالعه ارزش های خانوادگی در محلات حاشیه نشین بوده است. اغلب تحقیقات [۲۰ تا ۲۳] نیز در هر دو حوزه از طریق روش های کمی انجام گرفته است، در حالی که پژوهش حاضر قصد دارد، جهت تغییر و تحولات ارزش های خانوادگی ساکنین سکونتگاه هایی که به عنوان محلات حاشیه نشین شناخته شده اند را نسبت به سایر محلاتی که در متن جامعه شهری زندگی می کنند با استفاده از رویکرد کیفی، شناسایی کند.

روش

این پژوهش کیفی با استفاده از مطالعات اسنادی و مطالعات میدانی یا مصاحبه انجام شده است. به دلیل این که در خصوص این موضوع در محلات حاشیه نشین کمتر تحقیقی انجام گرفته، در نتیجه در این پژوهش سعی شد از روش نظریه زمینه ای با نسخه اشتراوس و کوربین و تحلیل مضمون یا تحلیل تماتیک برای تحلیل داده های استفاده شود. تحلیل مضمون یا تحلیل تماتیک، اصولا یک استراتژی توصیفی است که کاوش ما را در شناسایی الگوهایی از تجربیات در بین مجموعه داده های کیفی امکان پذیر می سازد. خروجی تحلیل تماتیک، هم توصیفی از الگوها و طرح جامع و بنیادین است که آن ها را به هم

مرتبط می‌کند و هم در بردارنده الگوهای فراگیری است که به واسطه آن‌ها مقوله‌ها و فرآیندها ظاهر می‌شوند. [۲۴]

جامعه‌آماری پژوهش، محلات حاشیه‌نشین گلشن یا خاک سفید، شمیران‌نو در منطقه چهار و محلات دولتخواه شمالی، دولتخواه جنوبی و اسماعیل‌آباد در منطقه نوزده با سایر محلاتی که در مناطق نوزده و چهار واقع شده بودند، تطبیق و مقایسه شد. روش کار به این صورت بود که ابتدا با مرور ادبیات پژوهش، تعدادی از شاخص‌های مهم، استخراج شدند و در نهایت سوالات مصاحبه نیمه‌ساختار یافته تدوین گردید و در جلسات مصاحبه از مشارکت کنندگان پرسیده شد. سوالات در خصوص نگرش‌ها و ارزش‌های آنان در مورد اشتغال زنان، فرصت‌های شغلی میان زنان و مردان، تفاوت جنسیتی زن و مرد و قدرت تصمیم‌گیری در خانواده بود. جمعیت مورد مطالعه در این پژوهش زنان و مردان هجده سال به بالا را شامل می‌شد. همچنین در این پژوهش از شرکت‌کننده هدفمند و نظری استفاده شد. داده‌هایی که از پژوهش حاضر جمع‌آوری می‌شدند به صورت هم‌زمان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و داده‌های جدید به دست آمده در مقایسه با سایر داده‌ها مورد تحلیل و کدگذاری قرار می‌گرفتند. کدگذاری، استخراج داده‌ها و سازمان‌دهی آن‌ها با

استفاده از نرم‌افزار NVivo انجام شد. داده‌ها پس از مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختار یافته با سی مشارکت‌کننده به اشباع داده و نظری رسید. برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد از اقداماتی مانند مشارکت مداوم در بافت طبیعی پژوهش و پیاده‌سازی سریع مصاحبه‌ها، بهره برده شد. همچنین از تکنیک ممیزی یا استفاده از نظر متخصصان در مراحل مختلف کدگذاری، مفهوم‌سازی و برساخت مقولات استفاده گردید. با اجازه مشارکت‌کنندگان تمامی مصاحبه‌ها ضبط و سپس پیاده‌سازی شدند. هریک از مصاحبه‌ها بین بیست دقیقه تا یک ساعت به طول انجامید. اصل رازداری در مورد اطلاعات مشارکت‌کنندگان رعایت گردید.

یافته‌ها

قبل از این‌که به یافته‌های پژوهش حاضر پرداخته شود، لازم است به معرفی اجمالی، محلات حاشیه‌نشین مورد مطالعه، اشاره شود. محله گلشن یا خاک سفید و شمیران‌نو به ترتیب با جمعیت پنجاه و هفت هزار و سیصد و دوازده؛ و چهل و چهار هزار و هشتصد و پنجاه و هفت نفر در منطقه چهار و محله دولتخواه شمالی، دولتخواه جنوبی و اسماعیل‌آباد با جمعیتی به ترتیب چهار هزار و صد و سی و هفت، یازده هزار و نه صد و شصت و چهار؛ و سه هزار و هشتصد و هشتاد و هفت نفر در منطقه نوزده شهرداری تهران واقع شده‌اند. کلیه محلات حاشیه‌نشین مورد مطالعه پژوهش حاضر، از بعد ویژگی‌های کالبدی، اقتصادی و اجتماعی در وضعیت نامطلوبی قرار داشتند. متوسط سرانه‌های خدمات بهداشتی درمانی، خدمات آموزشی، سرانه کاربری فضای سبز و... در این محلات بسیار پایینتر از استانداردهای لازم شهری می‌باشد. [۲۹-۲۵]

در پژوهش حاضر از مجموع سی مشارکت‌کننده، پانزده زن و پانزده مرد بودند. هفت نفر، در گروه سنی هجده تا بیست و نه و پانزده نفر، در گروه سنی سی تا پنجاه و چهار و هشت نفر، نیز در گروه سنی پنجاه و پنج سال به بالا قرار داشتند. تعداد متاهلین هفده نفر، مجردین هفت نفر، مجرد بر اثر طلاق یک نفر، مجرد بر اثر فوت دو نفر، متارکه دو نفر و نامزد یک نفر بودند. تعداد بی‌سوادان دو نفر، زیر دیپلم دو نفر، محصل دو نفر، دیپلم دوازده نفر، فوق دیپلم دو نفر، لیسانس شش نفر و فوق لیسانس سه نفر بودند. تعداد شاغلین بیست نفر، بی‌کار یک نفر، بازنشسته چهار نفر و خانه‌دار نیز پنج نفر بودند. با توجه به این‌که پرسش اساسی این پژوهش شناسایی جهت‌های ارزشی خانوادگی در مورد جنسیت بود، اما بر اساس داده‌ها مفاهیمی از مصاحبه‌ها به دست آمد و مقولاتی برساخت شدند که در زیر آورده شده است.

در جدول شماره یک نمونه‌ای از نحوه ساخته شدن و چگونگی حرکت از کدگذاری باز به محوری و گزینشی بازگو شده است. این جدول، ماحصل ادغام کلیه جداول کدگذاری شده باز شامل شش جدول به تعداد هر یک از محلات، می‌باشد. مقوله‌های عمده با ارجاع به درک و دیدگاه افراد مورد مطالعه و ارتباط مقوله‌ها با پدیده محوری و پیوند آنان با ادبیات پژوهش، در قالب یک مدل پارادایمی ترسیم شده است. لازم به ذکر می‌باشد در این پژوهش سعی شده از روایت‌های مشابه و متعددی که نمایانگر معنای مفاهیم و مقولات بوده، تنها به یک نمونه از آنان بسنده شود. هسته مرکزی پژوهش که همان نگرش‌های جنسیتی فرامادی است که شامل مقولات فرعی مانند نگرش جنسیتی به اشتغال

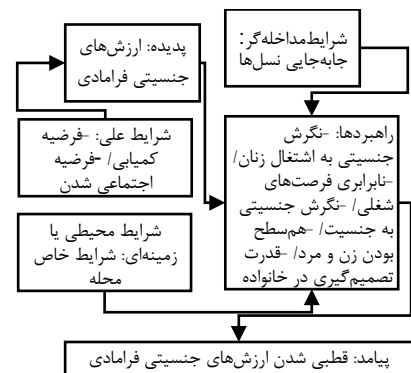
دیبرستان، ساکن شمیران نو می گوید: «مردم خداییش گرفتار شدن، واقعا گرفتار شدن. شما ببینید، خلیا مجبورن که می رن سرکار. الان تو هر صد نفر، عینه صد نفرشون تو زندگی گرفتارن.» برخی نیز معتقد بودند اگر شرایط اشتغال برای زنان ایجاد شود، هم منجر به درآمدزایی برای آنان می شود و هم می تواند نقش مهمی در بهبود و پیشبرد اقتصاد خانواده داشته باشند. به طوری که زن سی و هفت ساله، متاهل، خانه دار، دیپلم، ساکن شمیران نو می گوید: «اگر آدم بتونه سر کار بره، و البته اگر کار هم باشه خوبه. اگر آدم بتونه کمک خرج خانواده باشه خوبه.» برخی نیز به توانمند بودن زنان نسبت به مردان معتقد بودند و مدعی بودند، مسوولیت پذیری بیشتر زنان نسبت به مردان سبب شده در اداره امور نیز دارای موفقیت های زیادی گردند. آنان تاکید داشتند اگر مدیریت امور کارها توسط زنان صورت گیرد، جامعه دارای دستاوردهای بهتری خواهد بود. آنچنان که مرد پنجاه و پنج ساله، متاهل، لیسانس، ساکن گلشن می گوید: «من بازدهی کار خانوما رو از آقایون بیشتر می دونم، چون خانوما دل مهربانی دارند. یه خانومی که مادر می شه (مکث) اصلا مادر، خودش یه کلمه الهی است یه مادر می خواد مسوولیتش رو به نحو احسن انجام بده. هرکجا خانوما راس کار بودند خروجیش هم خیلی خوب بوده.» زن سی و هشت ساله، متاهل، لیسانس، خانه دار، ساکن سایر محلات منطقه چهار می گوید: «خانوما توانمندن. وقتی می تونن یه زندگی رو اداره کنن حتما می تونن یه کشور رو هم اداره کنن.» تعدادی نیز علاوه بر نگاه مادی و اقتصادی به اشتغال زنان، معتقد بودند کار بیرون از خانه از سویی سبب پیشگیری از رخوت و سستی در آنان می شود و از سویی دیگر منجر به سرزندگی و نشاط میان زنان می گردد، که این امر، کمک به افزایش امید به زندگی زنان می کند. به طوری که زن سی و پنج ساله، متاهل، لیسانس، ساکن محله گلشن می گوید: «زنی که خونه می مونه احساس می کنم خیلی تنبله. کنار این که زنان شاغل، کمک خرج خانواده ان، احساس می کنم که سرزنده ترن، بشاشترن، امید به زندگیشون هم بالاتره.»

جهت ارزشی این مقوله در دولتخواه شمالی و جنوبی، شمیران نو، اسماعیل آباد و سایر محلات منطقه نوزده تلفیقی بود. چون مشارکت کنندگان از سویی نگاه اقتصادی و مالی نسبت به کار زنان داشتند، و از سویی دیگر با کار زنان در بیرون از خانه موافق بودند، اما جهت ارزشی این مقوله در گلشن فرامادی بود، زیرا نگرش هایشان نسبت به توانایی های زنان با نگرش های قدیمی و سنتی فاصله داشته، و کار زنان در بیرون از خانه را سبب سرزندگی برای آنان می دانستند.

نابرابری فرصت های شغلی: این مقوله حاصل ادغام مفاهیم مشابه، چون امکان کار دون پایه برای زنان و پرداخت دستمزد کمتر به آنان بود. برخی از مشارکت کنندگان به نابرابری دستمزدها بین زنان و مردان در محیط کاری تاکید داشتند. آنان معتقد بودند جذب نیروی

زنان، نابرابری فرصت های شغلی، نگرش های جنسیتی به جنسیت، هم سطح بودن زن و مرد و قدرت تصمیم گیری در خانواده بود.

نگرش جنسیتی به اشتغال زنان: این مقوله حاصل ادغام مفاهیمی چون موافق کار زنان به دلیل سختی شرایط اقتصادی، و زنان توانمندتر از مردان؛ بود. مشارکت کنندگان در مجموع به دلایل مشکلات اقتصادی و مالی با اشتغال زنان در بیرون از خانه موافق بودند. آنچنان که یک زن شصت و هشت ساله، متاهل، بی سواد، خانه دار، ساکن دولتخواه شمالی و جنوبی می گوید: «آره خانوما هم باید کار کنن الان تو این وضعیت اقتصادی خوبه که خانوما کار کنن.» مرد سی و سه ساله، مجرد، بی کار، دارای تحصیلات اول



نمودار (۱) پارادایم یا مدل الگویی محلات گلشن (خاک سفید)، شمیران نو، دولتخواه شمالی و جنوبی، اسماعیل آباد و سایر محلات منطقه ۱۹و ۴

جدول (۱) کدگذاری محله گلشن یا خاک سفید (ک)، شمیران نو (ش)، دولتخواه شمالی و جنوبی (د)، اسماعیل آباد (ا) و سایر محلات منطقه ۱۹ (س) و ۴ (س) (ع)

مفاهیم اولیه	مقولات فرعی	مقوله اصلی
موافق کار زنان به دلیل سختی شرایط اقتصادی (ش داس ۱۹) زنان توانمندتر از مردان (گ س ۴)	نگرش جنسیتی به اشتغال زنان	ارزش های جنسیتی فرامادی
امکان کار دون پایه برای زنان، پرداخت دستمزد کمتر به زنان (گ ش س ۴ داس ۱۹)	نابرابری فرصت های شغلی	
تفاوت نگذاشتن بین دختر و پسر (گ ش س ۴ داس ۱۹)	نگرش جنسیتی به جنسیت	
هم سطح بودن زن و مرد (گ ش س ۴ داس ۱۹)	هم سطح بودن زن و مرد	
مشورت با همدیگر (+) (گ ش س ۴ داس ۱۹)	قدرت تصمیم گیری در خانواده	

کار زن، توسط شرکت‌ها، به دلیل پرداخت دستمزد پایین به آنان است. به طوری که مرد هجده ساله، مجرد، دیپلم، شاغل، ساکن دولتخواه شمالی و جنوبی می‌گوید: «الان شما به در و دیوار نگاه کنید، می‌بیند که آگهی زدن و گفتن به یه خانم نیازمندیم. یه دونه آگهی ندیدم که بگه به کارگر آقا نیاز مندیم. حالا چرا اینجوریه؟ چون دستمزد کمی به خانوما می‌دن.» برخی نیز علاوه بر نابرابری دستمزدها به نابرابری فرصت‌های کاری بین زنان و مردان در محیط‌های کاری نیز تاکید داشتند، و معتقد بودند با وجود توانمند بودن زنان، اما همچنان پست‌های مدیریتی در دست مردان است. آنچنان که زن سی و هفت ساله، مجرد، لیسانس، شاغل، ساکن سایر محلات منطقه نوزده می‌گوید: «حداقل، تو جامعه ما، موقعیت‌های شغلی و کاری و امتیازات حقوقی بین خانوما و آقایون رعایت نمی‌شه. اصولاً مدیران رده بالا و قانون‌گذاران مردن. اکثریت غریب به اتفاق نمایندگان مجلس، آقایون هستن. رییس قوه مجریه کشور یه مرده. تو جامعه ما تربیت مردانه وجود داره. خانوما که توانایی مدیریت خونه رو دارن صددرصد توانایی کارای بزرگی مثلاً مثل رییس جمهور شدن را هم دارن. درآمد و دستمزد خانم و آقا متفاوت. همه فکر می‌کنن چون یه خانومه و یه نفر رو داره که ازش حمایت کنه، حقوقشون رو کمتر می‌دن. تو جامعه ما خانوما خیلی زودتر و راحت‌تر می‌تونن کار برا خودشون پیدا کنن، اما حقوق کمتری می‌گیرن؛ با توجه به این که، کار بیشتری هم انجام می‌دن.» این مقوله با توجه به مفاهیم اولیه جدول شماره یک، در کلیه محلات مورد مطالعه دارای ارزش‌های فرامادی است، چون نگاه مشارکت‌کنندگان نسبت به زنان، مدرن و پست‌مدرن بود، زیرا ارزش‌های آنان نسبت به زنان و مساله‌های و مشکلات آنان متحول شده و از نگاه‌های سنتی و قدیمی فاصله گرفته است.

نگرش‌های جنسیتی به جنسیت: این مقوله حاصل ادغام مفاهیم مشابه مانند، تفاوت نگذاشتن بین دختر و پسر، در تمامی محلات مورد مطالعه بود. برخی تاکید داشتند در شرایط حال حاضر جامعه ایرانی تفاوتی بین دختر و پسر ندارد. چنانچه مرد سی و هفت ساله، متاهل، فوق‌دیپلم، شاغل، ساکن دولتخواه شمالی و جنوبی می‌گوید: «تو کشور ما بین دختر و پسر هیچ فرقی نمی‌کنه. تو شرایط الان چه دختر داشته باشم چه پسر داشته باشم به حال آدم فرقی نمی‌کنه.» برخی نیز به برابری زن و مرد تاکید داشتند. زن سی و هشت ساله، متاهل، دیپلم، شاغل، ساکن سایر محلات منطقه نوزده می‌گوید: «اگر می‌خواستیم دوباره به دنیا بیام، دوست دارم بازم همون دختر به دنیا می‌یومدم. الان نمونه‌ای نیست که دختر تو خونه زندونی باشه. الان زن و مرد باهم برابرن.» جهت ارزش‌های کلیه محلات مورد مطالعه این مقوله فرامادی است، چون این مقوله از ارزش‌های سنتی دور شده، و دیگر مثل گذشته پسر داشتن ارزش محسوب نمی‌شود.

هم‌سطح بودن زن و مرد: این مفهوم برگرفته از عبارات خود

متن است و به دلیل انتزاعی بودن آن، عیناً به مقوله فرعی انتقال داده شده است. مشارکت‌کنندگان تاکید داشتند، اگر زن و شوهر هم‌سطح یکدیگر باشند، زندگی همراه با آرامش بیشتری خواهند داشت، به خصوص اگر این هم‌سطح بودن از بعد فرهنگی و اخلاقی باشد. چنانچه زن بیست و دو ساله، متاهل، دیپلم، شاغل، ساکن گلشن می‌گوید: «آره به نظر من هم‌سطح باشن خیلی بهتره، خیلی آدم راحت‌تر کنار می‌آید با همدیگه. اگر آدم هم‌سطح خودش رو پیدا کنه، خیلی بهتره. حالا از نظر مالی پایینتر باشه، آدم یه جور می‌تونه کنار بیاد، ولی از لحاظ فرهنگی و اخلاقی نه، آدم نمی‌تونه کنار بیاد.» جهت ارزش‌های این مقوله به سمت ارزش‌های فرامادی است، چون از هنجارها و ارزش‌های سنتی و قدیمی فاصله گرفته، و به سمت برابری و عدالت‌خواهی در حرکت است.

قدرت تصمیم‌گیری در خانواده:

این مقوله حاصل ادغام مفاهیم مشابه مانند، مشورت با همدیگر، در تمامی محلات مورد مطالعه بود. مشارکت‌کنندگان معتقد بودند هم‌اکنون دوره‌ای است که برای تصمیم‌گیری‌های امور زندگی باید با یکدیگر گفتگو و مشورت کرد. آنان تاکید داشتند در خصوص مساله‌های با یکدیگر مشورت می‌کنند. به طوری که مرد سی و هفت ساله، متاهل، فوق‌دیپلم، شاغل، ساکن دولتخواه شمالی و جنوبی می‌گوید: «اگر بخوام در مورد چیزی تصمیم بگیرم با خانومم مشورت می‌کنم. دوره، دوره بحث کردنه، نه جنگ، نه دعوا، نه جدل، نه بی‌احترامی. دوره دوره‌ایه که باید بحث کنیم بینیم حرف معقول کدومه.» جهت ارزش‌های کلیه محلات مورد مطالعه فرامادی بود، چون تاکید به گفتگو و مشورت با یکدیگر در خصوص امور زندگی داشتند. گفتگو با یکدیگر نشان‌دهنده این است که ارزش‌هایشان از تک رای بودن هنجارها

و ارزش‌های سنتی فاصله گرفته است. **عوامل موثر بر ارزش‌های جنسیتی فرامادی:** پارادایم و یا مدل الگویی محلات مورد مطالعه، با توجه به نظریه تغییرات ارزشی اینگلهارت و اسناد و نتایج یافته‌ها شکل گرفته که در زیر به اختصار به هر یک پرداخته شده است. **شرایط علی:** شرایط علی، شرایطی هستند که مستقیم بر پدیده و یا همان هسته مرکزی تاثیر می‌گذارند. [۳۰] با تکیه بر نظریه تغییرات ارزشی اینگلهارت، فرضیه کمیابی و فرضیه اجتماعی شدن از جمله شرایط علی بودند که بر پدیده مرکزی و یا ارزش‌های جنسیتی فرامادی مشارکت‌کنندگان تاثیرگذار بودند. به عبارتی می‌توان گفت از بعد فرضیه کمیابی، ارزش‌های مشارکت‌کنندگان بازتاب شرایط اقتصادی و اجتماعی آنان بوده و از بعد فرضیه اجتماعی شدن نیز ارزش‌های آنان تحت تاثیر دوران کودکی و زمان‌های قبل از بلوغ آنان بوده است. **شرایط مداخله‌گر:** شرایط مداخله‌گر شرایطی هستند که تغییردهنده شرایط علی

هستند. [۳۱] از نگاه اینگلهارت تحولات ارزشی زمانی صورت می‌گیرد، که یک نسل جایگزین نسل قبلی شده باشد. به عبارتی دیگر دگرگونی ارزش‌های جنسیتی فرامادی مشارکت‌کنندگان زمانی رخ می‌دهد که ارزش‌های فرزندان به جای ارزش‌های والدین خود نشسته باشد. **عوامل محیطی و یا زمینه‌ای:** عوامل محیطی و یا زمینه‌ای شرایطی هستند که در یک زمان و مکان خاص جمع می‌آیند و مساله‌هایی را به وجود می‌آورند که اشخاص با تعامل‌های خود به آن پاسخ می‌دهند. [۳۱] بر اساس اسناد موجود، عوامل زمینه‌ای همان ویژگی‌های خاص محلات حاشیه‌نشین بودند که بر ارزش‌های مشارکت‌کنندگان تاثیرگذار بودند. مساله‌های و مشکلات حقوقی، کالبدی، اقتصادی و اجتماعی مشارکت‌کنندگان از جمله عواملی هست که در پدیده مرکزی نقش داشتند. **راهبردها:** راهبردها همان تاکتیک‌ها، اعمال و یا شیوه‌های عمل کنشگران است. [۳۰] راهبردهای مشارکت‌کنندگان بر ارزش‌های جنسیتی فرامادی عبارتند از: نگرش جنسیتی به اشتغال زنان (موافق کار زنان به دلیل سخت بودن شرایط اقتصادی، زنان توانمندتر از مردان)؛ نابرابری فرصت‌های شغلی (امکان کار دون پایه برای زنان، پرداخت دستمزد کمتر به زنان)؛ نگرش جنسیتی به جنسیت (تفاوت نگذاشتن بین دختر و پسر)؛ هم‌سطح بودن زن و مرد (هم‌سطح بودن زن و مرد)؛ قدرت تصمیم‌گیری در خانواده (مشورت با همدیگر) بود. **پیامدها:** پیامدها، ماحصل عوامل و راهبردها هستند. [۳۰] پیامد مجموعه عوامل نامبرده و راهبردهای مشارکت‌کنندگان، قطبی شدن ارزش‌های جنسیتی فرامادی بود.

بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله سعی دارد جهت ارزش‌ها و نگرش‌های حاشیه‌نشینان محلات گلشن یا خاک سفید، شمیران نو، دولتخواه شمالی، دولتخواه جنوبی و اسماعیل آباد را با توجه به تغییرات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی که در جامعه ایرانی طی چندین دهه اخیر رخ داده شناسایی و سپس با سایر محلات مناطق نوزده و چهار مقایسه و تطبیق کند. نتایج یافته‌های پژوهش نشان داد، ارزش‌های حاشیه‌نشینان مورد مطالعه همانند سایر محلاتی که در متن جامعه شهری، مناطق نوزده و چهار بودند، از نگاه‌های سنتی و قدیمی جامعه ایرانی فاصله گرفته و حرکت خود را به سمت وسوی ارزش‌های مدرن و پست مدرن و یا به قول اینگلهارت همان ارزش‌های فرامادی آغاز کرده‌اند. به طوری که ارزش‌های آنان در حوزه نگرش جنسیتی به جنسیت دارای تغییر و تحولاتی شده است، به گونه‌ای که آنان تاکید داشتند در شرایط حال حاضر جامعه ایرانی، بین دختر و پسر هیچ تفاوتی وجود ندارد. به عبارتی می‌توان گفت از دیدگاه حاشیه‌نشینان، دیگر همانند گذشته داشتن پسر ارزش محسوب نمی‌شود و پسر دیگر مانند قدیم عصای دست دوران پیری پدر به حساب نمی‌آید. به معنایی دیگر می‌توان گفت نقش پسر به عنوان سرمایه اجتماعی و اقتصادی در خانواده‌های مورد مطالعه به مرور زمان کم سو و کم رنگتر شده است. این نوع نگاه به جنسیت پسر، به دلیل این است که نقش زنان در عرصه خانواده و جامعه نسبت به گذشته پررنگتر و نمود بیشتری پیدا کرده است. به این معنا که سطح گرایش به تحصیل در زنان، تمایل زنان به اشتغال و کار بیرون از خانه و ورود آنان به فعالیت‌های اجتماعی نسبت به سال‌های قبل افزایش یافته است. همین نگاه در خصوص مقوله هم‌سطح بودن بین زنان و مردان هم وجود دارد، زیرا فاصله‌های فرهنگی و اجتماعی که در دوران گذشته میان زنان و مردان وجود داشت، امروزه رنگ‌باخته‌اند و جای خود را به ارزش‌های جدید و دیگری داده‌اند، به طوری که حاشیه‌نشینان معتقد بودند زنان و

و با نگاهی به جدول شماره یک می‌توان گفت ارزش‌های مشارکت‌کنندگان محلات حاشیه‌نشین که دارای ویژگی‌های خاص و محروم بودند با سایر محلاتی که در متن مناطق شهری نوزده و چهار قرار داشتند، مشابه بود. به عبارتی تمامی محلات مورد مطالعه در حوزه نگرش‌های جنسیتی دارای جهت‌های ارزش‌های فرامادی بودند.

در این قسمت نتایج یافته‌های پژوهش حاضر جهت همسو بودن و یا همسو نبودن آن با نتایج یافته‌های پیشینه پژوهش و مبانی نظری مورد مقایسه قرار گرفته است. در تحلیل نهایی از روایت عمیق ارزش‌های فرامادی جنسیتی می‌توان گفت نتایج یافته‌های پژوهش حاضر، بیشتر نظریه‌ها و رویکردهایی را تایید می‌کند که مدعی‌اند ارزش‌های جنسیتی به سمت مدرن شدن و ارزش‌های فرامادی در حرکت است. یافته‌های این پژوهش با نظریه تغییرات ارزشی اینگلهارت همسو نبود. [۱] بر اساس نتایج یافته‌ها و مجموعه مقوله‌های این پژوهش می‌توان بیان کرد، که محلات حاشیه‌نشین با توجه به کمبودها و محرومیت‌ها و خاص بودن موقعیتشان نه تنها به ارزش‌های مادی پایبند نبودند، بلکه به مراتب نگاه فرامادی به ارزش‌های جنسیتی در خانواده داشتند.

اینگلهارت در فرضیه اول خود که همان فرضیه کمیاب‌ست مدعی است که اولویت‌های افراد بازتاب محیط‌های اجتماعی و اقتصادی آنان است و شخص بیشترین ارزش‌ها را به چیزهایی می‌دهد که عرضه آن نسبتاً کم است، به بیانی دیگر چیزی دارای ارزش است که نادر و کمیاب باشد. [۱]

در اینجا پژوهش حاضر قصد دارد نگاه دیالکتیکی به این امر داشته باشد، به گونه‌ای که هر چیزی ضد خودش را می‌سازد. به عبارتی نیاز به ارزش‌های فرامادی مشارکت‌کنندگان، پاسخی به وضع موجود محلات حاشیه‌ای است. به عبارتی علی‌رغم این که این محلات از نظر اقتصادی در وضعیت نامطلوب بسر

مردان در زندگی زناشویی، بایستی در تمامی ابعاد به‌خصوص فرهنگی با یکدیگر هم‌سطح باشند، زیرا هم‌سطح بودن به افراد کمک می‌کند تا آرامش بیشتری در زندگی احساس کنند، از سویی دیگر این امر می‌تواند از بسیاری مساله‌ها و مشکلات در زندگی زناشویی پیشگیری نماید. نتایج یافته‌ها در خصوص مقوله قدرت تصمیم‌گیری در خانواده نیز از هنجارهای سنتی دور شده، و ارزش‌های مدرن و پست‌مدرن جایگزین ارزش‌های قدیمی گردیده است، به طوری که دیگر مانند گذشته، پدر خانواده تنها تصمیم‌گیرنده نهایی محسوب نمی‌شود، بلکه همه اعضای خانواده در خصوص مساله‌های مهم با یکدیگر به مشورت و گفتگو می‌نشینند. چنانچه حاشیه‌نشینان تاکید داشتند در حال حاضر شرایط به گونه‌ایست که باید با یکدیگر صحبت و گفتگو کرد، و دیگر دوران تک‌رای بودن به اتمام رسیده است. نتایج یافته‌ها در خصوص مقوله نگرش‌های جنسیتی به اشتغال زنان نیز دگرگون شده و ارزش‌های جدید دیگری جایگزین ارزش‌های سنتی و گذشته شده است، به طوری که نگاه حاشیه‌نشینان نسبت به زنان با توجه به ارزش‌های جامعه ایرانی تغییر کرده است، زیرا آنان تاکید داشتند زنان نسبت به مردان بسیار توانمندتر و مسوولیت‌پذیرتر هستند و معتقد بودند در عرصه‌هایی که زنان حضور فعال دارند دستاوردهای بسیاری را به ارمغان خواهند آورد. آنان معتقد بودند زنان که توانایی انجام اداره امور خانه را بر عهده دارند، می‌توانند بسیاری از مسوولیت‌هایی که در محیط‌های کاری بر عهده آن‌ها گذاشته می‌شود را به خوبی انجام دهند. حاشیه‌نشینان تاکید داشتند زنان شاغل کمک‌کننده و یاری‌دهنده خانواده‌های خود بوده و در پیشبرد و بهبود اقتصاد خانواده نقش بسزایی دارند. در خصوص مهم بودن و نقش اشتغال زنان، نتایج یافته‌های پژوهشی [۳۲] با موضوع زمینه‌های اجتماعی خشونت‌های خانگی، با توجه به روایت‌های زنان، نشان می‌دهد زنان شاغل به دلیل در اختیار داشتن منابع مالی نسبت به دیگر زنان، از پیامدهای منفی خشونت‌های خانوادگی در امانتر هستند. نتایج پژوهشی دیگری [۳۳] با موضوع جایگاه زن در هرم قدرت در خانواده، نشان می‌دهد، مهمترین عوامل تاثیرگذار بر جایگاه زن در هرم قدرت خانواده، آموزش از یک سو و اشتغال زنان از سویی دیگر است. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد ارزش‌های حاشیه‌نشینان نسبت به نابرابری فرصت‌های شغلی از هنجارهای سنتی و گذشته فاصله گرفته، و ارزش‌های جدیدتری نسبت به این مساله جایگزین شده است. آنان تاکید داشتند با وجود توانمند بودن، اما زنان همچنان از نابرابری فرصت‌های شغلی در رنج هستند، و همچنان دچار بی‌عدالتی و تبعیض در جامعه هستند. حاشیه‌نشینان معتقد بودند در جامعه ما پست‌های مهم و مدیریتی در اختیار مردان بوده و زنان همچنان از این فرصت‌ها بی‌بهره و دور مانده‌اند. آنان مدعی بودند شغل‌های دون پایه با دستمزدهای ناچیز سهم زنان جامعه ایرانی است. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر

صرف. به عبارتی یافته‌های مقاله حاضر که حالتی از قطبی شدن را نشان می‌دهد، از رویکرد تفاوت نسلی آزاد ارمکی فاصله گرفته است. [۱۳] یافته‌های پژوهش حاضر با برخی پژوهش‌ها همسو بود. نتایج یافته‌های این پژوهش، نتایج پژوهش مدیری را تایید کرد، زیرا نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد، در بستر گذار نسلی از نسل اول به نسل سوم، ارزش‌های سنتی کاهش و ارزش‌های مدرن و پسامدرن در خانواده در برخی موارد افزایش یافته است. [۱۲]

یافته‌های پژوهش حاضر، نتایج پژوهش فراری را تایید کرد، زیرا یافته‌های وی نشان داد که ارزش‌های جوانان به سمت کیفیت زندگی، خود شکوفایی و محیط‌زیست تغییر یافته است. [۱۴]

نتایج یافته‌های پژوهش حاضر یافته‌های طرح ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان را تایید کرد، زیرا قدرت تصمیم‌گیری در ایران به سمت ارزش‌های فرامادی در حرکت است. [۲ و ۳]

با توجه به چارچوب نظری اینگلهارت، برای حفظ نظم و تعادل در جامعه ارزش‌های مادی و فرامادی توامان باید وجود داشته باشد. منتهی رسیدن به نقطه معین هر یک از آنان مهم است که جامعه دچار هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی نشود. [۱]

محدویت‌ها: بزرگترین مشکلی پیش روی پژوهش حاضر در خصوص گردآوری داده‌ها بود، زیرا این پژوهش در حین جمع‌آوری داده‌ها با بحران همه‌گیری کرونا مواجه شد، و همین امر باعث شد که روند گردآوری داده‌ها به کندی و به تاخیر انجام شود.

پیشنهاد: پیشنهاد می‌شود برای ادامه مطالعه و پژوهش، مجموعه مقولاتم رتبط، به‌طور مجزا، عمیق و ژرف‌انگر مورد پژوهش و واکاوی قرار گیرند.

سیاسگزاری: از زحمات متخصصان و مشارکت‌کنندگان که این پژوهش یاری نمودند و بدون همکاری آنان انجام این پژوهش میسر نمی‌شد، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌شود.

تعارض منافع: نویسندگان این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارند.

می‌برند و طبق دیدگاه اینگلهارت خواسته‌ها باید مادی باشند اما برعکس آن رخ داده و گرایش مشارکت‌کنندگان به سمت ارزش‌های فرامادی و مدرن و پست‌مدرن بوده است. اینگلهارت معتقد است بین سطح اقتصادی و نفوذ ارزش‌های فرامادی یک رابطه دوتایی وجود ندارد، [۱] چون که این ارزش‌ها بازتاب درک ذهنی شخصی از امنیت هستند نه خود سطح اقتصادی. بنابراین، آنچه مسلم است چیزی که در محلات حاشیه‌نشین در حال حاضر بیش از هر زمان دیگری کمبودش احساس می‌شود و کمیاب و نادر است نیاز به برابری خواهی، نیاز به فرصت‌های برابر جنسیتی و شغلی، نیاز به گفتگو کردن و مشورت کردن با یکدیگر، نیاز به برابری جنسیتی، نیاز به تفاوت نگذاشتن بین زنان و مردان می‌باشد. این نیازهای فرامادی به قول اینگلهارت وابسته به زمان و مکانی خاصی نیستند بلکه در وجود هر آدمی هستند و یکی از اجزا نیازهای او می‌باشند. [۱] همه افراد بشر نیاز به آثار زیبایی‌شناختی دارند که این امر در همه جوامع حتی در فقیرترین جوامع مشاهده شده است.

نتایج یافته‌های این پژوهش، نتایج یافته‌های پژوهش آزاد ارمکی که متاثر از نظریه تغییر ارزشی اینگلهارت بود را، تایید نکرد، زیرا آزاد ارمکی در آن پژوهش نشان می‌دهد، ارزش‌های جامعه ایران تلفیقی است، تا مادی و فرامادی

منابع

References:

1. Inglehart R. Culture shift in advanced industrial society. 3 ed. New Jersey, Princeton University Press, 1989. [Persian] <https://www.jstor.org/stable/2131733>
2. Office of national plans. Values and attitudes of Iranians. Ministry of Culture and Islamic Guidance. Iran, Tehran. 2003: 59. [Persian] <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/3538950>
3. Office of national plans. Values and attitudes of Iranians. Research Institute of Culture and Arts and Social Relations of the Ministry of Interior. Iran, Tehran. 2015: 76. [Persian] <https://ircud.ir/fa/content/283625>
4. Naseri S, Sarukhani B. Investigating the factors affecting power building in the family (case study of Tehran. Social Sciences Quarterly of Islamic Azad University, Shushtar Branch, 2017. 11(2): p. 1-22. [Persian] https://jss.shushtar.iau.ir/article_533229.html?lang=fa
5. Rafipour F. Anomie a study of potential for anomie in Tehran. 2007, Tehran: Soroush Publishers. [Persian]
6. Mohseni M. Introduction to Sociology, ed. 7. 1991, Tehran: Manouchehr Mohseni. [Persian] <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/497083>

7. Azad Armaki T, ZahiriNia M. Investigating value types and cultural changes in the family. *Family Research Quarterly*. 2010. 17(23): p. 297-279. [Persian] https://jfr.sbu.ac.ir/article_95761.html
8. Madani S, Khosravani A. Factors influencing the orientation (material values / meta-material values) of students (Master students of the Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Arak Branch). *Sociological Studies of Iran*, 2011. 2(7): p. 123-143. [Persian] https://journals.iau.ir/article_512103.html?lang=en
9. Silent bomb of outskirts in Tehran. 2018, News N. 774912; www.tabnak.ir. [Persian] <https://www.tabnak.ir/003Faa>
10. Athari K. Marginalization in Tehran quadrupled. 2013, *Magazin N.2976*, News N.742655; donya-e-eqtasad.com. [Persian] <https://donya-e-eqtasad.com/fa/tiny/news-742655>
11. Aghabakhshi H, Hajyousefi A, Kakuyi H. Marginalization and informal housing: A collection of articles. Tehran: University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences Publications. 2003. [Persian] <https://pub.uswr.ac.ir/index.jsp?keyid=&siteid=50&pageid=16331&newsview=4743>
12. Modiri F. Different types of family values and its socio-economic correlations in Tehran. *Applied Sociology Quarterly*, 2017. 29(1): p. 166-147. [Persian] <https://doi.org/10.22108/jas.2017.75182.0>
13. Azad Armaki T. The nature of the value system of Iranian society: Material, postmaterial compilation. *Journal of Culture-Communication Studie*, 2004. 1(10): p. 1-15. [Persian] <http://ensani.ir/fa/article/download/281046>
14. Ferrari M. Generations and value changes across time, *International Review of Sociology*, 2000 10:2, 223-233, DOI: 10.1080/713673997
15. Austruma S. Change of values in the consumer society. 3rd International interdisciplinary scientific conference society. health. welfare –1st congress of rehabilitation doctors of Latvia. SHS Web of Conferences. Volum2, 2012. <https://doi.org/10.1051/shsconf/20120200004>
16. Dodonova V, Dodonov R. Transformation of social values during a pandemic and problems of global solidarity. *Skhid. Social Philosophy Journal*, 2020 (3 (167)): p. 21-26. <http://skhid.kubg.edu.ua/article/view/206757>
17. Laden A, Razghi Shirsavar H. Reasons for marginalization in the metropolis of Tehran. *Urban Management Quarterly* 2009. 1(3): p. 64-79. [Persian] <https://www.sid.ir/FileServer/JF/6004113880304>
18. Amiri M, Pourmousavi SM, Sadeghi M. Study of social harms caused by marginalization in district 19 of Tehran municipality from the perspective of city managers. *Journal of Urban Economics and Management*. 2013. 2(5): p. 119-137. [Persian] <http://dorl.net/dor/20.1001.1.23452870.1392.2.5.9.6>
19. Piran P. Rapid urbanization and heterogeneous growth. *Political-Economic Monthly Quarterly*, 1989(3): p. 56-59. [Persian] <https://www.sid.ir/paper/428288/fa>
20. Qelich M. (Dissertation) Cultural globalization and its impact on marital values and family relationships. Tehran; Islamic Azad University, Central Tehran Branch; 2012. [Persian] <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/3154285>
21. Zahedi MJ, Nayebi H, Danesh P, Nazak Tabar H. Sociological explanation of the effect of the modernization process on family structure. *Women's Strategic Studies*, 2013; 16(61): 97-148. [Persian] <https://dorl.net/dor/20.1001.1.20082827.1392.16.61.4.0>
22. Mahdavi MS, Modiri F. Generational analysis of postmodern family values and its determinants: With emphasis on the role of religiosity. *Sociology of Social Institutions*, 2017; 4(9): 155-187. [Persian] <https://doi.org/10.22080/ssi.2017.1563>
23. Rashidi Al Hashem A, Soleimani M. Investigating marginal behaviors. *Quarterly Iranian Social Science Studies*, 2012. 9(35): p. 2-18. [Persian] https://journal.khalkhal.iau.ir/article_527923.html?lang=fa
24. Given L. *The sage encyclopedia of qualitative research methods*. 2008; New York, Sage Publications. <https://doi.org/10.4135/9781412963909>
25. Golshan neighborhood development office. *Golshan neighborhood development document*. Municipal Renovation Organization. 2019: Iran Tehran. [Persian]
26. Shemiran No neighborhood development office. *Shemiran No neighborhood development document*. Municipal Renovation Organization. 2019: Iran Tehran. [Persian]
27. North Dolatkah Neighborhood Development Office. *North Dolatkah neighborhood development document*. Municipal Renovation Organization 2019: Iran Tehran. [Persian]
28. South Dolatkah Neighborhood Development Office. *South Dolatkah neighborhood development document*. Municipal Renovation Organization. 2019: Iran, Tehran. [Persian]
29. Esmail Abad Neighborhood Development Office. *Esmail Abad neighborhood development document*. Municipal Renovation Organization. 2019. [Persian]
30. Farasatkah M. *Qualitative research method in social sciences: With emphasis on grounded theory*. 2020, Tehran: Publishing Agah. [Persian] <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/4354910>
31. Corbin J, Strauss A. *Basics of qualitative research techniques and procedures for developing grounded theory*, ed. fourth. New York, Sage Publications, Inc. 2016. [Persian] <https://us.sagepub.com/en-us/nam/basics-of-qualitative-research/book235578#description>
32. Yekekar S, Aghabakhshi H, Hosseini Haji Bakande SA. Social themes of domestic violence against women. *Quarterly Journal of Social Work*. 2019; 8 (3) :49-59. [Persian] <http://socialworkmag.ir/article-1-511-en.html>
33. Sarukhani B. Research on the position of women in the power pyramid in the family. *Women's Research Quarterly*, 2005. 3(2): p. 59-29. [Persian] https://jwdp.ut.ac.ir/article_13245.html?lang=fa